

مدیریت عملی مبتنی بر رهنمودهای اسلام



اَوْصِيكُمَا وَجَمِيعِ وُلْدِي وَاهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي
 يَنْقُوِي اللّٰهَ وَنُظِمَ اَمْرِكُمْ وَصَلٰحَ ذٰتِ بَيْنِكُمْ .
 شمارا وهمه فرزندانم را واهلم را وهرکس که این
 نوشته به او رسد وصیت می کنم به تقوی ،نظم
 درامور واصلح بین یکدیگر . ”حضرت علی (ع)
 انضباط عبارت است از هدایت وراهنمایی
 نمایلات وغرایز فطری بسوی هدف مطلوب .
 بعضی انضباط را آموختن طرز صحیح استفاده
 از قوای فطری می دانند که هدف آن حفظ

نکاتی که رعایت آن مدیران را در کارشان موفق
 می سازد

پیش ازاین درمورد مدیریت مبتنی برهدف و
 برنامه ریزی بحث شد واینک دنباله مطلب :

۵- اصل انضباط

آزادی را می شود به زود داد ولی ایمان و آزادی و آزادیخواهی رانه .

چند مورد از فوائد انضباط عبارت است از :

۱ - انسان منضبط همیشه سرحال و بانشاط است .

۲ - حقوق و تعهدات دیگران را به بهترین وجه رعایت می کند .

۳ - همیشه برای دیگران الگو و نمونه خواهد بود .

۴ - نزد همه افراد ارزشمند خواهد بود .

۵ - راهنمائی در باره نظم و انضباط موثر و مفید واقع خواهد شد .

برقراری انضباط نیاز به مدیران خوب دارد که هم خود مقررات را رعایت کنند و هم دانش - آموز و معلم را وادار به رعایت نمایند . توجه کنید همانطور که آزادی نباید به هرج و مرج میدان دهد نظم و انضباط هم نباید بهانه سه استبداد قرار گیرد .

دو نمونه از مصادیق نظم و استبداد در مدرسه در هفته اول مهرماه که خود شاهد بودم ذکر می گردد :

۱ - زنگ دبیرستان به صدا در می آید دانش آموزان به صف می ایستند و بعد از قرائت قرآن مدیر مدرسه ضمن تیریک آغاز سال تحصیلی برای همه آرزوی موفقیت می کند و ضمن بیان مقررات انضباطی مدرسه اظهار می دارد : " عزیزان من موی سر عطیه خداداد است . مورا به اندازه ای که جلف و سبکو مبتدل نباشد بلند نکه دارید و در نظافت آن بکوشید . "

۲ - مدرسه راهنمائی است . مدیر با عصبانیت و عبوسا " قمطیرا نوجوانان رابه صف کرده می گوید :

لطفاً " ورق بزید

فرد و اجتماع از خطر است . گروهی انضباط را مجموعه ای از قواعد رفتار می دانند و برخی آن را عادت شکل یافته و پرورش یافته ذکر می - کنند .

در جمع می توان گفت انضباط تنها یک منبع روانی و اخلاقی نیست بلکه یک قانون زندگی است که از طریق آن می توان نقش بازرسی و ممانعت را ایفاء کرد و زندگی فرد و جامعه را از خطر حفظ نمود .

فراموش نشود در انضباط خواستار آن نیستیم که فردی را چون غلام حلقه بگوش خود در آوریم و مستبدانه براو حکومت کنیم ، بلکه غرض این است که فعالیت ها و رفتار او را تحت ضابطه ای در آوریم آنچنان که بتواند از زندگی و مزایای آن بنحو شایسته ای بهره گیرد و در مسیر صواب و طریق درست باشد . بعضی چیزها زور بردار نیست و جز از طریق اختیار و انتخاب امکان ندارد . مثلا " ترکیه نفس و تربیت عالی . اگر بخواهیم مردمی را به نحو عالی با انضباط تربیت کنیم یعنی به نحوی که فضیلت هارا بعنوان اینکه فضیلت است بپذیرند و از بدیها بدلیل اینکه بد و نقصی انسانیت است اجتناب کنند ، یعنی مثلا " از دروغ نافر داشته باشند و یا بدقول و بی نظم نباشند ، این کار به زور و شلاق و با حاکمیت ممکن نیست . بسا زور و شلاق می توان مانع دزدی شد ولی بازور روح کسی را نمی توان امین کرد ، اینها اموری است که زور پذیر نیست . ایمان یعنی مجذوب شدن به یک فکر و پذیرفتن یک اندیشه و آن دو رکن - دارد : یکی جنبه علمی مطلب است که باید فکر و عقل انسان آنرا بپذیرد و دیگری جنبه احساسی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد . هیچ یک از این دو رکن در قلمرو زور نیست .

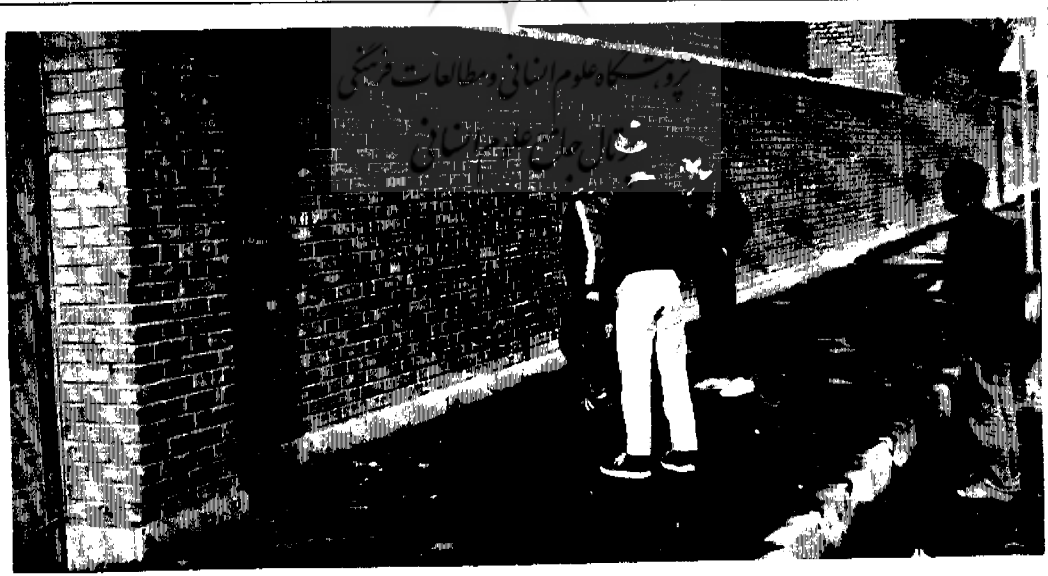
دیدم که امروز مدرسه منور شده!!
 ناهنجار این رفتارها تا ابد در روح دانش -
 آموز باقی میماند . اینگونه اعمال نه تنها
 دانش آموز را منضبط نمی سازد که مقدمه
 بی انضباطی است برای نوجوان و جوان .
 گزار آدم ملک سازی تو سازی
 پرافشان در فلک سازی تو سازی
 خدایش بی غش و عیب آفریده
 دغلاکارو کلک سازی تو سازی

۶- اصلاح خطاها و اشتباهات

مدیر پس از آنکه به خطای خود در موردی
 پی برد باید درصدد اصلاح آن برآید و متوجه
 باشد که اصرار برخطا ، خطای دیگری است .
 اگر هزار بار برای پوشاندن یک خطا دلیل
 بیاورد خطای او هزار و یک خواهد بود . مدیر
 خوب کسی نیست که نقطه ضعف نداشته باشد
 بلکه مدیر موفق کسی است که از نقاط ضعف خود
 با خبر باشد و کوشش کند آنها را برطرف نماید .

" همه موی سر را سربازی بزنید . اگر فردا
 چنین نکردید از مدرسه اخراج می شوید! " صبح
 روز بعد یکی از دانش آموزان چون برادرش
 مدرسه اولی بوده و با او سلمانی رفته و مو را
 کوتاه کرده اما نه "کچل" بعد از ورود به مدرسه
 و رفتن بکلاس درس، معاون مدرسه بعنوان عدم
 رعایت نظم و انضباط نوجوانی را که در برزخ بیس
 کودکی و بزرگسالی است و تازه از دبستان به
 محیط جدید آمده با وضع نامطلوبی از کلاس
 بیرون می اندازد، به این هم اکتفا نکرده او را از
 مدرسه بیرون می راند! هرچه بجه التماس می-
 کند "اجازه بدهید به ولیم تلفن کنم تا بیاید
 و مرا ببرد" می گویند به ما مربوط نیست ، برو
 بیرون .

درب مدرسه بسته می شود و نوجوان ۱۲ ساله
 در کوچه سرگردان!!
 بهر صورت روز بعد با سرکچل مدرسه می رود .
 ریاست محترم با تبحر و خوشحال از انجام
 فرامینش دستی به چانه بچه می زند و با لفظ
 مبارکشان میفرمایند :





از عهده انجام کارش بر نمی آید مگسان دورش
هر چند برایش تبلیغ کنند اثرش منفی است. این
جمله ترجمه شعری است از احمد مطر شاعر عراقی
در تبعید :

" امروز موش فاضلابی را دیدم که در مورد
پاکبیزی سخنرانی می کرد. کثافت هارابه کيفر
هشدار می داد و پیرامونش مگسها کف می زدند ."
حضرت رسول اکرم (ص) فرموده است :
برای ربا و جلب توجه مردم به هیچ کار خیری
دست مزن و از روی ضعف نفس و حياء از مردم
هیچ کار خیری را ترک مکن (تحف العقول صفحه
۵۸)

چه زار مرغ در میان ت چه دلخ

که در یوشی از بهر پندار خلق
کلید درد و زخ است آن نماز
که در چشم مردم گزاری دراز
اگر جز به حق می رود جادوات
در آتش فشانند سجادهات

ایرج شگرف نخعی "نا تمام"

۷- تبلیغات

اگر مدیر بتواند افکار مردم را نسبت به کار
خود جلب نماید پیشرفت بیشتری داشته بهتر
می تواند به هدف خود برسد. اما باید میان
تبلیغ و خدعه و نیرنگ و ربا فرق بگذارد. در
دنیا کنونی تبلیغ یا آوازه گری جریانی است
که مفاهیم روشن و تاریک (حقیقت و دروغ) ربا
یکدیگر می آمیزد و به وجهی خوش آیند درمی -
آورد و به شخص عرضه می کند و هدف آن
انگیختن عواطف و آماده کردن مردم برای قبول
عقایدی معین است.

چنین تبلیغی مورد نائید مدیریت اسلامی
نیست. تبلیغ باید با حقیقت تواءم باشد و نیز
در تبلیغات مدیر باید مراقب باشد که از صورت
معقول خارج نشود و موجب نفرت نگردد. برخی
از گفته ها و نوشته ها در ظاهر حق است و درست و
باطن " اعتقاد است باطل و سست. بر مدیران
است که از اینگونه موارد پرهیز کنند. کسی که